

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال سی و سه، دوره جدید، شماره ۵۸، پیاپی ۱۴۸، تابستان ۱۴۰۲

مقاله علمی - پژوهشی

صفحات ۴۴-۱۵

وضعیت شغلی معلمان زن در عصر رضاشاه^۱

مرضیه حسینی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۹

چکیده

تحول در نظام آموزشی عصر رضاشاه ذیل گفتمان دولت مدرن ملی و به تبع آن رشد و گسترش آموزش زنان با هدف تربیت زن و مادر جدید ایرانی، به اشتغال چشمگیر زنان در نظام آموزشی به‌ویژه به عنوان معلم منجر شد. درباره ضرورت آموزش زنان، رشد سوادآموزی، توسعه مدارس دخترانه و تربیت معلم در دوره رضاشاه تحقیقات ارزنده‌ای صورت گرفته است، اما آنچه کمتر به آن توجه شده، وضعیت اشتغال زنان معلم و چالش‌های پیش روی آنها در دوره مذکور است. مسئله اصلی این نوشتار چگونگی وضعیت شغلی معلمان زن در دوره رضاشاه است. پاسخ به این سؤال از مسیر بررسی کمی و کیفی آموزش معلمان زن، افزایش و کاهش تعداد آنها در مدارس، شرایط استخدام، محدودیت‌ها و دشواری‌های آن، وضعیت حقوق آنها و همچنین تفاوت‌ها و تبعیض‌های جنسیتی در این حرفه، با تکیه بر اسناد و برخی نشریات این دوره صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش مبتنی بر تجزیه و تحلیل آمار و جداول به دست آمده است و نشان می‌دهد که آموزش زنان در مقایسه با مردان از اهمیت کمتری برخوردار بود. این مسئله مدارس دخترانه و معلمان زن را با مشکل دائمی کمبود بودجه، دستمزدهای کم و تبعیض جنسیتی در قانون استخدام مواجه کرده بود. فقر مردم و عدم تمکن مالی برای پرداخت شهریه اندک مدارس ملی دخترانه، به‌ویژه در ایالات و در نتیجه حقوق پایین و کار زیاد در کنار توأمانی اشتغال بیرون از منزل با مسئولیت‌های زنان در خانه، از دیگر مشکلات معلمان زن بود که گاهی به استعفای آنها منجر می‌شد.

واژه‌های کلیدی: مدارس دخترانه، عصر رضاشاه، معلمان زن، آموزش زنان، تبعیض

جنسیت

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2023.41164.2693

۲. شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.2008885.1402.33.58.1.2

۲. دکتری تخصصی تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. iranhosseini63@yahoo.com

مقدمه

توجه به آموزش زنان و توسعه مدارس دخترانه ملی و دولتی به منظور تربیت زن جدید ایرانی و به تبع آن نسل آینده ایران جدید، یکی از مهم‌ترین سیاست‌های جنسیتی دولت رضاشاه بود که طیفی از زنان را به عنوان معلم مشغول به کار کرد. ارتقای کمی و کیفی آموزش زنان، مستلزم تربیت و به کارگیری معلمان زن بود؛ تأسیس دارالمعلمات، افتتاح دانشسراها و راهیابی زنان به دانشگاه تهران به همین منظور انجام گرفت.

هدف این نوشتار و مسئله آن، بررسی وضعیت معلمان زن در نظام آموزش عصر رضاشاه و واکاوی مواردی چون دشواری‌های کار تدریس و فضای آموزشی، رویکرد حاکمیت به آموزش زنان، وضعیت حقوق و دستمزد معلمان زن، رویه‌های قانونی و تبعیض‌های جنسیتی در نظام آموزشی عصر رضاشاه با تکیه بر اسناد این دوره و برخی نشریات است. جداول و ارقام به دست آمده در این نوشتار که با روش آمار توصیفی جمع‌آوری و ارائه شده، نشان‌دهنده افزایش تعداد معلمان زن و پراکندگی آنها در مدارس کشور و همچنین وضعیت بودجه‌ریزی در نظام آموزشی و مشکلات زنان معلم است.

درباره پیشینه پژوهش باید گفت آثار و مقالاتی که به زبان انگلیسی و فارسی وجود دارد، مسئله آموزش زنان، چرایی و چگونگی آن را مد نظر قرار داده‌اند؛ درحالی‌که موضوع نوشتار حاضر وضعیت شغلی معلمان زن در نظام آموزشی عصر پهلوی اول است. برای مثال، علی سنگ‌تراش و دیگران، در مقاله «کارکرد آموزشی دانشسراهای دخترانه در دوره پهلوی اول» به توصیف وضعیت آموزشی زنان در دوره قاجار و سپس عزم دولت پهلوی برای ساخت ایران نوین و در همین باره گسترش آموزش زنان پرداخته‌اند و در ادامه به تأسیس دانشسراهای دختران و افزایش تعداد محصلان و فارغ‌التحصیلان اشاره کرده‌اند. زهرا حامدی نیز در مقاله «بازتاب تعاملات فکری اندیشگران درخصوص آموزش زنان در نشریات شفق سرخ، عالم نسوان و روزنامه اطلاعات» به آرای روشنفکران درباره ضرورت گسترش آموزش زنان پرداخته است. همچنین سمیه متقی در مقاله «the historical relationship between womens education and womens activism in iran» مسئله حق آموزش به عنوان یکی از مطالبات زنان از عصر قاجار به بعد را مطرح کرده و در نهایت، به تأسیس مدارس جدید در زمان رضاشاه اشاره کرده است. «David Menashri» در فصل دوم از کتاب *Education and the Making of modern iran* نخست به اهداف دولت پهلوی در بنیان نهادن نظام آموزشی جدید با نگاه به سیستم آموزشی غرب پرداخته و در ادامه، به اعزام دانشجویان ایرانی به خارج اشاره کرده و در نهایت، تأسیس دانشگاه تهران را مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش،

وضعیت معلمان به‌ویژه معلمان زن و حتی دانش‌آموزان دختر مورد توجه قرار نگرفته است. مرضیه حسینی نیز در مقاله «مادریت جدید و نظام آموزشی زنان در عصر رضاشاه»^۱ رشد نظام آموزشی زنان و توسعه مدارس دخترانه در عصر رضاشاه را واکاوی کرده است. مسعود آدینه‌وند در مقاله «جایگاه زنان در نظام اداری دوره رضاشاه»^۲ به ورود گروهی از زنان تحصیل کرده به عنوان کارمند به بازار کار پرداخته و در این بین اشاره کوتاهی به معلم‌های زن نیز داشته است. گفتنی است در این مقاله وضعیت اشتغال زنان و چالش‌های پیش روی آنها در این حرفه مورد بررسی قرار نگرفته است.

تأسیس دارالمعلمات و روند آموزش معلمان زن

تاریخچه شکل‌گیری دارالمعلمات به اقدام میرزا یوسف‌خان مؤدب‌الدوله برای آموزش دختران خود برمی‌گردد (بامداد، ۱۳۴۸: ۶۱/۱-۶۴). مدتی پس از آغاز به کار مدرسه، با تصمیم نصیرالدوله وزیر معارف وقت، مدرسه مزبور ضمیمه مدرسه دخترانه فرانکوپرسان شد که در سال ۱۲۹۷ش. تأسیس شده بود. ابتدا ده دانش‌آموز دختر در دارالمعلمات ثبت‌نام کردند تا به دستور وزارت معارف برای شغل معلمی تربیت شوند. نصیرالدوله مقرر کرد بیست معلم از طرف دولت استخدام گردند و سالانه تعداد بیشتری از محصلان دختر برای شغل معلمی تربیت شوند. همچنین مقرر شد ده نفر از شاگردان منتخب هفته‌ای سه روز به مریض‌خانه نسوان بروند و درس قابلیت و دروس مربوط به امراض زنان را بیاموزند. مادام «آندره هس» فارغ‌التحصیل فرانسه، از سال ۱۳۰۳ از طرف وزارت فرهنگ و معارف با دریافت حقوق سالانه ۱۸۰۰ تومان، به سمت ریاست دارالمعلمات برگزیده شد. مجلس شورای ملی در ۹ اردیبهشت ۱۳۰۷ و سپس در خرداد و دی ۱۳۰۸ قرارداد استخدام مادام را با حقوق سالی ۱۵۰۰ تومان تمدید کرد (صورت مذاکرات مجلس، جلسه نهم (اردیبهشت ۱۳۰۷)؛ مجموعه قوانین و مقررات (۱۳۰۰-۱۳۲۰): بخش اول، ص ۲۶۳). دوره تحصیل شاگردان دارالمعلمات پس از اخذ گواهی‌نامه شش‌ساله ابتدایی، چهار سال بود که سه سال اول دروس متوسطه و در سال چهارم اصول تعلیم و تربیت تدریس می‌شد. این شاگردان همچنین می‌بایست هنگام تحصیل، به صورت عملی در مدارس مختلف تدریس می‌کردند (سالنامه وزارت معارف ۱۲۹۷: ۷۶-۷۷).

۱. مرضیه حسینی (زمستان ۱۴۰۰)، «مادری جدید و نظام آموزشی در عصر رضاشاه»، فصلنامه تاریخ ایران و اسلام دانشگاه الزهراء، سال سی و یکم، شماره ۵۲ (پیاپی ۱۴۲)، صص ۱۵-۳۶.
۲. مسعود آدینه‌وند (تابستان ۱۳۹۶)، «جایگاه زنان در نظام اداری عصر رضاشاه»، تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیست و هفتم، شماره ۳۴ (پیاپی ۱۲۴)، صص ۱۰-۳۷.

۷۷). در آغاز دارالمعلمات تنها دارای سه کلاس متوسطه بود و محصلان در سال آخر در مدرسه «نمره ۳۲» به صورت عملی تدریس می‌کردند. شاگردان این مرکز به ازای برخوردار بودن از آموزش رایگان، موظف بودند پس از پایان دوران تحصیل، به میزان سنوات تحصیلی، در مدارس دولتی تدریس کنند (همان، ۱۳۰۷: ۱۳-۱۴). کلاس‌های آموزش خیاطی و آشپزی نیز جزو دروس دارالمعلمات بود. به محصلان هنگام فارغ‌التحصیلی مدرک دیپلم داده می‌شد. تعدادی از این دیپلمه‌ها در مدارس شهرهایی چون رشت، تبریز، اصفهان، شیراز و تهران به کار گماشته می‌شدند (سالنامه معارف، ۱۳۰۷-۱۳۰۸: ۱۳-۱۴).

در اسفند ۱۳۱۲ قانون تربیت معلم وضع و مقرر شد ۲۵ دانشسرای مقدماتی طی پنج سال ساخته شود. در این سال همچنین انجمن ملی تربیت بدنی با هدف ترویج فرهنگ ورزش، سامان دادن به ورزش مدارس و همچنین تربیت معلمان ورزش زن تأسیس شد. سازمان پیشاهنگی دختران نیز نقش مهمی در تربیت و به کارگیری معلمان زن داشت (سالنامه وزارت معارف، ۱۳۱۲: ۱۵۲). واقعه کشف حجاب و تشکیل کانون بانوان، رشد آموزش زنان را تسریع کرد. هرچند اجباری کردن کشف حجاب موجب محرومیت تعدادی از زنان و دختران از تحصیل و اشتغال شد، اما دولت با توجه بیشتر به گسترش آموزش زنان، کانون بانوان را موظف کرد بر آموزش زنان نیز متمرکز شود. وزارت معارف نیز اقدام به برگزاری سلسله مجالس مشورتی با هدف آشنا کردن رؤسا و نمایندگان معارف ایالات و ولایات با اصول و قواعد پیشرفت نهضت آموزشی کشور کرد. در یکی از این جلسات که در ۱۴ اسفند ۱۳۱۴ برگزار شد، مدیر کل وزارت معارف کانون بانوان را موظف کرد به مواردی چون تأسیس کلاس اکابر نسوان، تدوین و انتشار کتب مخصوص آداب معاشرت و خانه‌داری زنان، تدوین کتب ورزشی مناسب زنان و تأسیس مجامعی برای حمایت و پرورش اطفال پیردازد. در این جلسه همچنین تصمیماتی به منظور به کارگیری بیشتر معلمان زن اتخاذ شد و اینکه در هر ولایت مؤسسه‌های تربیت و پرورش اطفال تأسیس شود و تدریس در دبستان‌های مختلط برعهده زنان قرار گیرد (مجله تعلیم و تربیت، ۱۳۱۵: شماره ۱، ص ۱). وزیر معارف همچنین عنوان کرد با توجه به اینکه زنان به دلیل بارداری‌های مکرر، به تقویت قوای جسمانی نیاز دارند، دولت باید به ورزش زنان به‌ویژه در مدارس توجه بیشتری کند و تربیت و استخدام معلمان ورزش به صورت جدی‌تری دنبال شود (همان، ۱۳۱۴: شماره ۳، ص ۱۵۱).

افزایش مراکز آموزشی دولتی تأثیر چشمگیری در رشد آمار معلمان زن داشت. در سال ۱۳۱۳ وزارت معارف، ادارات بلدیة در شهرهای مختلف را به کمک طلبید و مقرر شد طی یک برنامه پنج‌ساله روند تأسیس مدارس ابتدایی در شهرهای مختلف تسریع شود. با توجه به اینکه

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۹

بودجه وزارت معارف برای پیشبرد این طرح کافی نبود، مردم به برنامه مدرسه‌سازی دولت کمک کردند؛ تا جایی که عمده هزینه‌های ساخت از طریق اعانات تجار و بزرگان شهر و همچنین کمک‌های مردمی تأمین شد (سالنامه احصائیه وزارت معارف، ۱۳۱۳: ۲).

افزایش تعداد معلمان زن

افزایش تعداد دانش‌آموزان دختر در مقاطع مختلف، به افزایش تعداد معلمان زن در سراسر کشور منجر شد. نهادهایی مانند کانون بانوان نیز در راستای اهداف دولت، در تربیت نیروی کار زنان به عنوان معلم و مربی اعم از مربی مشاغل خانگی و یا معلمان کودکانها و مدارس نقش ایفا کردند. (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۷: شماره ۱۰، ص ۵۹-۶۰). ورود زنان به دانشگاه تهران نیز در افزایش تعداد معلمان زن تأثیرگذار بود. نیاز به معلمان مجرب زن که از تحصیلات آکادمیک برخوردار باشند سبب شد امتیازات ویژه‌ای برای دانشجویان دختر دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی در نظر گرفته شود. کسانی که داوطلب شغل معلمی بودند، می‌توانستند با دادن تعهد کتبی تدریس، از پرداخت شهریه معاف شوند. همچنین در نظام‌نامه دانشسرای دختران مصوب ۱۷ مرداد ۱۳۱۷ آمده بود که باید در انتخاب، آموزش و تربیت دبیران دبیرستان‌ها نهایت دقت به عمل آید (همان، ۱۳۱۵: شماره ۷، ص ۵۴۰). از سال ۱۳۱۴ نیز دانشجویان وارد حوزه‌های ورزش، ادبیات، تئاتر و موسیقی شدند و به کلوب‌های مختلف پیوستند و به عضویت کمیته‌های اجرایی این کلوب‌ها درآمدند (Amin, 2002: 160). به تدریج بر تعداد فارغ‌التحصیلان زن از دانشسرای عالی و سپس دانشکده ادبیات در رشته‌هایی چون فارسی، زبان خارجه، فلسفه و علوم تربیتی افزوده شد. اولین گروه از فارغ‌التحصیلان دانشسرای عالی دختران، در سال ۱۳۱۷ مدرک لیسانس خود را کسب کردند. این ۸ نفر ورودی سال ۱۳۱۴ بودند؛ همان سالی که درهای دانشسرای عالی به روی دختران گشوده شد (روزنامه اطلاعات، ۳۱ خرداد ۱۳۱۷: شماره ۳۵۱۶، ص ۱). در دوره رضاشاه، متأثر از رشد و گسترش آموزش دختران در سطوح عالی، به‌ویژه پس از راهیابی دختران به دانشگاه تهران، تغییراتی هرچند محدود اما سریع و قابل توجه در سبک زندگی دختران شهرنشین رخ داد. یکی از این تغییرات مهاجرت به تهران با هدف تحصیل، کار و زندگی مستقل بود. دخترانی که تا پیش از این حتی اجازه بیرون رفتن از خانه را نداشتند، می‌توانستند به صورت مستقل یا دو نفری در تهران زندگی کنند. در بسیاری از موارد دختر دانشجو یا معلم با خانمی پیر و تنها زندگی می‌کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۲ مرداد ۱۳۱۷: شماره ۳۵۵۹، ص ۳). زنان تنها و یا سالمندی که پذیرای

محصلان و یا زنان شاغل بودند، در روزنامه اطلاعات اعلام آمادگی می کردند و تأمین خوراک و لوازم خانه را نیز متقبل می شدند (همان، ۱۵ شهریور ۱۳۱۷: شماره ۳۵۹۳، ص ۳). اجاره این منازل با توجه به مکان آن متفاوت بود. برای مثال، اجاره یک منزل در مرکز شهر، بین ۳۵۰ تا ۴۰۰ ریال در سال ۱۳۱۷ هزینه داشت (همان، ۲۲ مهر ۱۳۱۷: شماره ۳۶۳۰، ص ۶).

علاوه بر معلمانی که در مدارس و در بخش دولتی یا مدارس ملی شاغل بودند، عده‌ای از زنان معلم نیز به عنوان معلم خصوصی، به‌ویژه آموزش زبان‌های خارجی در منازل کار می کردند. آگهی‌های پرشماری در روزنامه اطلاعات وجود داشت که حاوی درخواست زنان معلم برای تدریس خصوصی دروس فیزیک، شیمی، ریاضیات و زبان انگلیسی بود (همان، ۲۸ مهر ۱۳۱۷: شماره ۳۶۳۶، ص ۲). تدریس خصوصی زبان‌های فرانسه و آلمانی نیز طرفداران بسیار داشت؛ زیرا یکی از شرایط استخدام به‌ویژه در بخش غیردولتی، دانستن حداقل یک زبان خارجی بود. در آموزشگاه‌های متعددی که برای آموزش زبان انگلیسی، آلمانی و به‌ویژه فرانسه وجود داشت (روزنامه اطلاعات، ۲۵ خرداد ۱۳۱۷: شماره ۳۵۱۰، ص ۳)، معلم‌های زن نیز به صورت خصوصی تدریس می کردند. دانستن زبان خارجی به‌ویژه در میان خانواده‌های طبقه متوسط و بالا متداول و نشانه تشخیص و برازندگی یک دختر بود (همان، ۱۱ تیر ۱۳۱۷: شماره ۳۶۱۲، ص ۶). گروهی از زنان نیز به عنوان معلم موسیقی به صورت خصوصی فعالیت می کردند. نفوذ فرهنگ غربی و شکل‌گیری مفهوم جدیدی از تربیت فرزند، به‌ویژه نزد خانواده‌های متمول سبب شده بود آموختن هنرهایی چون موسیقی، آواز و رقص برای دختران به شکل عاملی منزلت‌بخش و به نوعی مد روز درآید. در این میان، ساز پیانو بسیار نزد خانواده‌ها محبوب بود. این خانواده‌ها دختران خود را به خانه معلم موسیقی می بردند و یا برای آموزش ساز و آواز، معلم استخدام می کردند. این مسئله فرصتی برای زنان موسیقی‌دان ایجاد می کرد که به عنوان معلم خصوصی در خانه‌ها مشغول به کار شوند (همان، ۲۲ تیر ۱۳۱۷: شماره ۳۵۳۸، ص ۳). حوزه ورزش و تربیت بدنی از دیگر عرصه‌هایی بود که فرصت اشتغال به عنوان مربی را در اختیار زنان قرار می داد. توجه دولت به ورزش زنان در چهارچوب مادریت جدید، یعنی ضرورت تربیت مادران قوی‌بنیه، سالم با اندامی زیبا، زمینه‌های رشد و تحول در ورزش زنان را فراهم کرد و در کنار باشگاه‌های خصوصی که صرفاً بر زیبایی اندام تکیه داشتند، سازمان‌هایی چون «پیشاهنگی دختران» و «واحد ورزش مدارس» تعدادی از زنان را به عنوان معلم ورزش به سیستم آموزشی جذب کرد. در مجلات و نشریات این‌گونه تبلیغ می شد که ایران مترقی به زنان قوی نیاز دارد تا بتوانند کارهای مختلف را به دور از ضعف و سستی انجام دهند و در کنار مردان فعالیت کنند. از وزارت معارف خواسته می شد کلوپ‌های

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۲۱

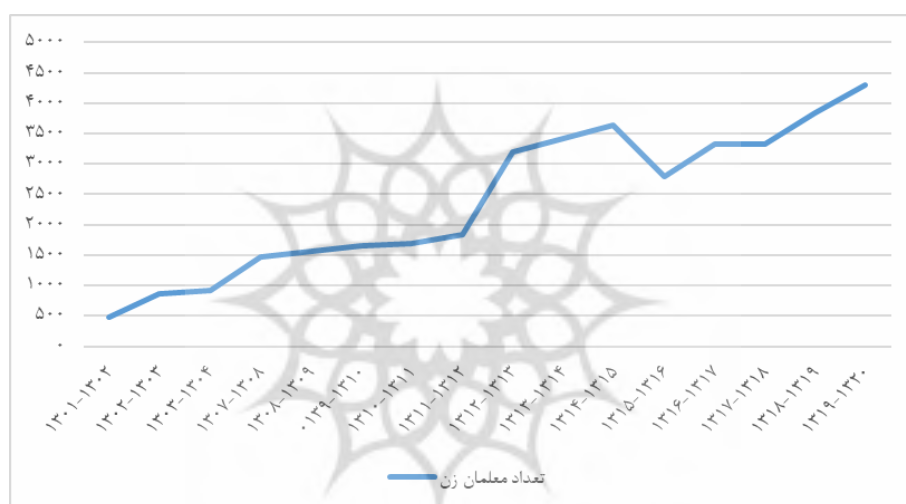
ورزشی مخصوص بانوان تأسیس کند (نسوان وطنخواه، مهر ۱۳۰۳: شماره ۷، ص ۸). در نشریات به زنان توصیه می‌شد ورزش باید جزو برنامه‌های روزانه آنان باشد. ژیمناستیک، پیاده‌روی، تنیس، کوه‌نوردی، شمشیربازی، چوگان، ورزش‌هایی با توپ و رقص از جمله ورزش‌هایی بودند که پیشنهاد و آموزش داده می‌شد. برای تشویق بیشتر، تصاویر زنان خوش اندام نیمه‌برهنه در حال انجام فعالیت بدنی نشان داده می‌شد (عالم نسوان، ۱۳۱۰: شماره ۶، صص ۲۸۵-۲۸۷). در کنار این تبلیغات که زنان را به سمت ورزش سوق می‌داد، دولت اقدام به تأسیس سازمان پیشاهنگی دختران با محوریت ورزش و تندرستی کرد. این تشکیلات که تعدادی از معلمان ورزش زن را آموزش می‌داد و تعدادی را استخدام می‌کرد، در سال ۱۳۱۴ تحت نظارت اداره تربیت بدنی تأسیس شد. ریاست این تشکیلات با شمس پهلوی بود و معلمان زن تحت نظر «مستر کیسین» و «مسیو بازارگاد» تعلیمات تئوری و عملی می‌دیدند. در سال ۱۳۱۴ حدود شصت معلم زن از مقاطع دبستان و دبیرستان تحت تعلیم قرار گرفتند و هر معلم مأمور به تشکیل گروهی ۳۲ نفری از دختران محصل با هدف تربیت معلم ورزش شد (سالنامه پارس، ۱۳۱۵: ۱۵۲). سازمان شیر و خورشید نیز با سرمایه‌گذاری در ورزش زنان به صورت پایه‌ای، اقدام به تأسیس کلاس‌های مختلف برای آموزش رشته‌های مختلف ورزشی به دختران از سنین خردسالی و تربیت معلم ورزش زن کرد (روزنامه اطلاعات، ۲ خرداد ۱۳۱۴: شماره ۲۴۰۹، ص ۲؛ همان، ۳ خرداد ۱۳۱۴: شماره ۲۹۴۱، ص ۱).

جدول شماره ۱: آمار معلمان زن از سال ۱۳۰۱-۱۳۲۰

سال تحصیلی	ابتدایی	متوسطه	مجموع
۱۳۰۲-۱۳۰۱	۴۰۰	۸۴	۴۸۴
۱۳۰۳-۱۳۰۲	۷۱۵	۱۴۹	۸۶۴
۱۳۰۴-۱۳۰۳	۷۵۷	۱۵۸	۹۱۵
۱۳۰۸-۱۳۰۷	۹۶۵	۵۰۳	۱۴۶۸
۱۳۰۹-۱۳۰۸	۱۳۲۵	۲۳۲	۱۵۵۷
۱۳۱۰-۱۳۰۹	۱۳۴۵	۳۱۵	۱۶۶۰
۱۳۱۱-۱۳۱۰	۱۴۰۱	۲۹۳	۱۶۹۴
۱۳۱۲-۱۳۱۱	۱۵۸۰	۲۶۳	۱۸۴۳
۱۳۱۳-۱۳۱۲	۲۶۵۲	۵۵۳	۳۲۰۵
۱۳۱۴-۱۳۱۳	۲۸۲۶	۵۹۰	۳۴۱۶

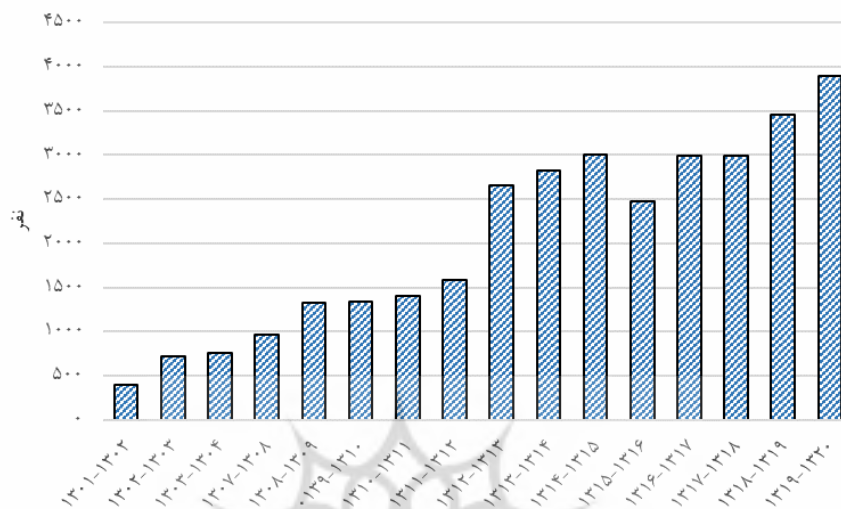
۲۲ / وضعیت شغلی معلمان زن در عصر رضاشاه / حسینی

سال تحصیلی	ابتدایی	متوسطه	مجموع
۱۳۱۵-۱۳۱۴	۳۰۱۰	۶۲۸	۳۶۳۸
۱۳۱۶-۱۳۱۵	۲۴۷۷	۳۰۷	۲۷۸۴
۱۳۱۷-۱۳۱۶	۲۹۹۲	۳۳۹	۳۳۳۱
۱۳۱۸-۱۳۱۷	۲۹۹۳	۳۳۹	۳۳۳۲
۱۳۱۹-۱۳۱۸	۳۴۶۱	۳۷۵	۳۸۳۶
۱۳۲۰-۱۳۱۹	۳۹۰۲	۴۰۲	۴۳۰۴

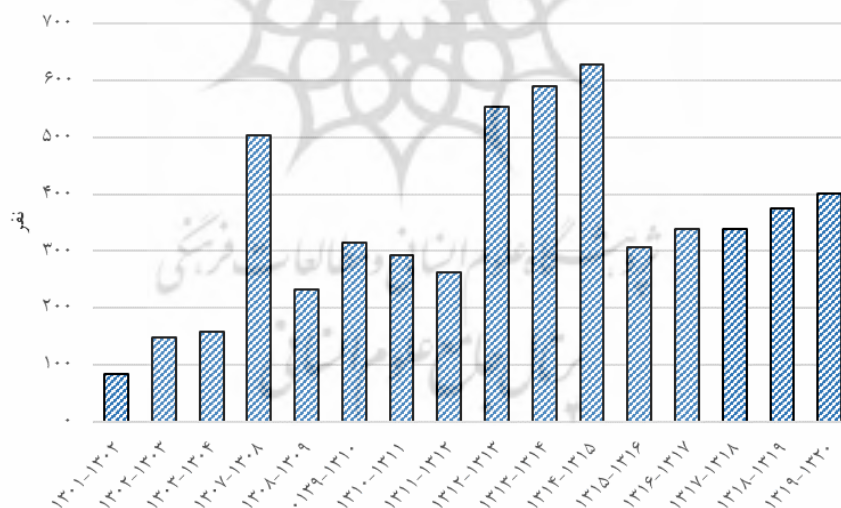


براساس جدول شماره ۱، تعداد معلمان زن دوره ابتدایی و متوسطه طی سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۲۰، به ترتیب دارای رشد ۱۴/۳۴ و ۱۸/۱ درصد بوده است (احصائیه شهر تهران، ۱۳۰۰ و ۱۳۰۴: ۱۲۱-۱۲۳؛ عملیات یکساله بلدیّه، ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴: ۱۵؛ سالنامه وزارت معارف، ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۳: ۸-۱۵، ۱۶-۱۷، ۲۱-۲۲؛ احصائیه شاگردان کشور در سالنامه وزارت معارف، ۱۳۱۴-۱۳۲۰: ۸۸-۹۱، ۱۲-۵۴).

نمودار شماره ۱: تعداد معلمان زن مقطع ابتدایی در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۱



نمودار شماره ۲: تعداد معلمان زن، مقطع متوسطه در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۱



همان‌گونه که نمودارها نشان می‌دهند، روند افزایشی منظم‌تری در تعداد معلمان دوره ابتدایی، در مقایسه با دوره متوسطه وجود دارد. همچنین قابل ذکر است که تعداد کل معلمان زن از ۴۸۴ نفر در سال ۱۳۰۱ به ۴۳۰۴ نفر در سال ۱۳۲۰ رسیده است؛ یعنی ۷۸۹ درصد رشد

۲۴ / وضعیت شغلی معلمان زن در عصر رضاشاه / حسینی

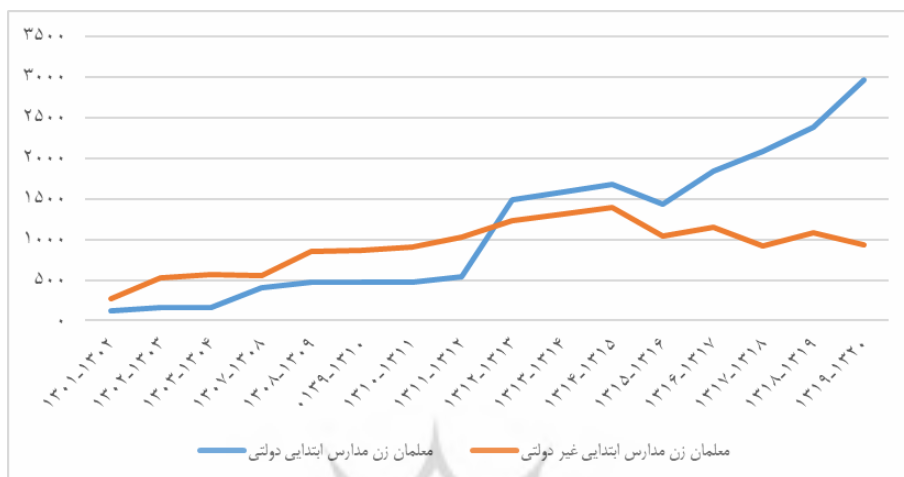
داشته و یا به عبارتی ۷/۸۹ برابر شده است. علاوه بر آن، تعداد کل معلمان مرد نیز از ۲۴۵۷ نفر در سال ۱۳۰۱ به ۱۱۱۲۱ نفر در سال ۱۳۲۰ رسیده است؛ یعنی ۳۵۲ درصد رشد داشته و به عبارتی ۳/۵۲ برابر شده است.

جدول شماره ۲: تعداد معلمان زن مدارس، به تفکیک دولتی و غیردولتی،

بین سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۲۰

متوسطه		ابتدایی		سال تحصیلی
غیردولتی	دولتی	غیردولتی	دولتی	
۸۱	۱۰	۲۶۸	۱۲۵	۱۳۰۲-۱۳۰۱
۱۶۰	۱۳	۵۳۰	۱۶۱	۱۳۰۳-۱۳۰۲
۱۷۲	۱۳	۵۶۸	۱۶۲	۱۳۰۴-۱۳۰۳
۴۵۷	۴۶	۵۶۰	۴۰۵	۱۳۰۸-۱۳۰۷
۱۹۶	۳۶	۸۵۵	۴۷۰	۱۳۰۹-۱۳۰۸
۲۷۳	۴۲	۸۷۰	۴۷۵	۱۳۱۰-۱۳۰۹
۲۷۵	۳۹	۹۰۸	۴۷۲	۱۳۱۱-۱۳۱۰
۲۰۶	۵۷	۱۰۳۳	۵۴۷	۱۳۱۲-۱۳۱۱
۳۷۲	۱۲۱	۱۲۳۰	۱۴۸۲	۱۳۱۳-۱۳۱۲
۳۹۷	۱۲۹	۱۳۱۱	۱۵۷۹	۱۳۱۴-۱۳۱۳
۴۲۳	۱۳۷	۱۳۹۶	۱۶۸۲	۱۳۱۵-۱۳۱۴
۲۲۲	۸۵	۱۰۳۶	۱۴۴۱	۱۳۱۶-۱۳۱۵
۲۴۶	۹۳	۱۱۴۹	۱۸۴۳	۱۳۱۷-۱۳۱۶
۲۲۸	۱۱۱	۹۱۵	۲۰۷۸	۱۳۱۸-۱۳۱۷
۲۵۸	۱۱۷	۱۰۸۲	۲۳۷۹	۱۳۱۹-۱۳۱۸
۲۴۰	۱۶۲	۹۳۹	۲۹۶۳	۱۳۲۰-۱۳۱۹

براساس جدول شماره ۲ و تجمیع مدارس دولتی و غیردولتی هر پایه، رشد متوسط سالانه برای مقطع ابتدایی حدود ۱۹ درصد و برای مقطع متوسطه حدود ۲۱ درصد بوده است.



براساس نمودار تا حدود سال ۱۳۱۲ تعداد معلمان زن مدارس غیردولتی، بیش از تعداد معلمان زن مدارس دولتی بوده، ولی پس از آن سال، تعداد معلمان زن مدارس دولتی از تعداد معلمان زن مدارس غیردولتی پیشی گرفته است (همان).
به منظور روشن کردن تعداد معلمان زن و مرد در مقطع متوسطه به تفکیک شهر، به آمار دبیران در سال ۱۳۱۹-۱۳۲۰ اشاره می‌شود.

جدول شماره ۳: آمار دبیران زن در کشور (سال ۱۳۱۹-۱۳۲۰)

ترتیب	نام محل	دولتی				غیردولتی		جمع
		دبیرستان‌ها		دانش‌سراها		دبیرستان‌ها		
		مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۱	آذربایجان شرقی	۷۲	۱۰	۱۱	۴۹	۱۵۶		
۲	آذربایجان غربی	۳۳	۱	۷	۰	۴۶		
۳	اراک	۱۳	۰	۱	۸	۲۶		
۴	اصفهان	۵۰	۱	۸	۱۳	۱۳۲		
۵	بیرجند	۱۷	۰	۴	۱	۲۶		
۶	بنادر جنوب	۲۱	۰	۰	۰	۲۱		
۷	بروجرد خرم	۱۷	۰	۰	۰	۲۱		
۸	تنکابن	۱۹	۰	۰	۰	۲۲		

۲۶ / وضعیت شغلی معلمان زن در عصر رضاشاه / حسینی

جمع	غیردولتی		دولتی				نام محل	ترتیب
	دبیرستان‌ها		دانش‌سراها		دبیرستان‌ها			
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن		
۸۱۴	۳۵۵	۱۴۹	۳۱	۱۷	۲۳۳	۲۹	تهران	۹
۱۵۱	۲۵	۴	۹	۴	۹۳	۱۶	خراسان	۱۰
۵۴			۳	۳	۴۲	۶	خوزستان	۱۱
۱۷	۱				۱۲	۴	خمسه	۱۲
۴					۴		دامغان	۱۳
۷					۷		ساوه	۱۴
۱۱					۱۱		سبزوار	۱۵
۱۰					۱۰		سمنان	۱۶
۱۰					۹	۱	شاهرود	۱۷
۲۴۰	۷۸	۱۰	۲۷	۹	۱۰۳	۱۳	فارس	۱۸
۲۴			۲		۱۹	۳	قزوین	۱۹
۲۴	۷				۱۵	۲	قم	۲۰
۱۶	۲	۱			۱۳		کاشان	۲۱
۲۳					۲۰	۳	کردستان	۲۲
۷۴	۱۷	۹	۴	۳	۳۳	۸	کرمان	۲۳
۵۴	۱۶	۳	۲		۲۸	۵	کرمانشاهان	۲۴
۵					۵		کروس	۲۵
۱۰					۱۰		گلپایگان	۲۶
۱۲۷	۳۷	۱۹	۲	۴	۵۱	۱۴	گیلان	۲۷
۲۳			۴		۱۷	۲	گرگان	۲۸
۳۰					۲۴	۶	مازندران	۲۹
۱۳					۱۳		مکران	۳۰
۲۱					۱۹	۲	ملایر	۳۱
۶۹	۲۱	۹	۳	۳	۲۵	۸	همدان	۳۲
۶۰	۱۶	۹	۶	۱	۲۵	۳	یزد	۳۳
۸					۸		بین النهرین	۳۴
۲۳۴۹	۶۸۷	۲۴۰	۱۲۳	۴۶	۱۰۹۱	۱۶۲	جمع	

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۲۷

همان‌گونه که نمودار نشان می‌دهد، در مقطع متوسطه نسبت معلمان زن به کل معلمان ۱۹ درصد و نسبت مدارس دولتی مقطع متوسطه به کل مدارس در همین مقطع ۶۰/۵ بوده است (احصائیه سالنامه وزارت معارف، ۱۳۱۹-۱۳۲۰).

با هدف نشان دادن پراکندگی تعداد معلمان زن در مقطع ابتدایی در شهرهای مختلف، به آمار آموزگاران زن در سال‌های ۱۳۱۹-۱۳۲۰ اشاره می‌شود:

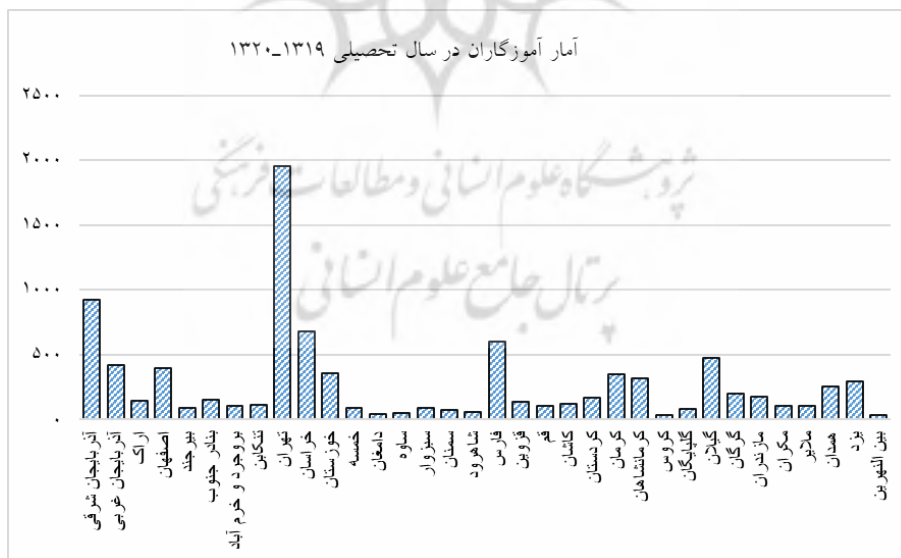
جدول شماره ۴: آمار آموزگاران مدارس ابتدایی در سال ۱۳۱۹-۱۳۲۰

ترتیب	نام محل	دولتی		غیردولتی		جمع
		مرد	زن	مرد	زن	
۱	آذربایجان شرقی	۳۸۸	۲۹۲	۱۹۳	۴۹	۹۲۲
۲	آذربایجان غربی	۲۸۵	۱۳۷			۴۲۲
۳	اراک	۷۱	۳۸	۲۳	۱۳	۱۴۵
۴	اصفهان	۱۶۹	۱۲۸	۶۷	۳۵	۳۹۹
۵	بیرجند	۴۳	۲۴	۱۷	۵	۸۹
۶	بنادر جنوب	۹۸	۳۲	۱۶	۵	۱۵۱
۷	بروجرد و خرم	۸۲	۲۳			۱۰۵
۸	تنکابن	۶۷	۳۸	۴		۱۰۹
۹	تهران	۵۲۵	۸۵۷	۲۱۹	۳۵۲	۱۹۵۳
۱۰	خراسان	۲۷۳	۱۷۹	۱۴۰	۸۵	۶۷۷
۱۱	خوزستان	۲۶۹	۸۶			۳۵۵
۱۲	خمسه	۳۱	۲۹	۲۳	۳	۸۶
۱۳	دامغان	۲۷	۱۳	۴		۴۴
۱۴	ساوه	۳۴	۹	۴		۴۷
۱۵	سبزوار	۴۷	۱۸	۱۵	۸	۸۸
۱۶	سمنان	۳۴	۴۰			۷۴
۱۷	شاهرود	۲۹	۲۱	۶	۳	۵۹
۱۸	فارس	۲۴۲	۱۶۴	۱۰۴	۹۳	۶۰۳
۱۹	قزوین	۶۴	۵۶	۱۳		۱۳۳
۲۰	قم	۵۷	۱۵	۳۰		۱۰۲
۲۱	کاشان	۷۷	۹	۲۰	۱۲	۱۱۸

۲۸ / وضعیت شغلی معلمان زن در عصر رضاشاه / حسینی

	غیردولتی		دولتی			
۱۶۷			۱۱۸	۴۹	کردستان	۲۲
۳۴۷	۵۰	۳۷	۱۴۶	۱۱۴	کرمان	۲۳
۳۱۷	۵۰	۶۵	۱۲۱	۸۱	کرمانشاهان	۲۴
۳۲	۳	۲	۱۹	۸	کروس	۲۵
۷۹			۶۵	۱۴	گلپایگان	۲۶
۴۷۳	۶۱	۷۷	۱۵۱	۱۸۴	گیلان	۲۷
۱۹۶			۱۳۹	۵۷	گرگان	۲۸
۱۷۷	۱۰	۲	۹۸	۶۷	مازندران	۲۹
۱۰۶			۷۰	۳۶	مکران	۳۰
۱۰۸	۶	۷	۵۶	۳۹	ملایر	۳۱
۲۵۷	۸۷	۴۱	۶۳	۶۶	همدان	۳۲
۲۹۵	۹۸	۴۵	۱۱۲	۴۰	یزد	۳۳
۳۴			۳۴	۰	بین النهرین	۳۴
۹۲۶۹	۱۲۶۳	۹۳۹	۴۱۰۴	۲۹۶۳	جمع	

(منبع: سالنامه وزارت معارف ۱۳۱۹-۱۳۲۰)



مشکلات معلمان و محصلان زن در نظام آموزشی دوران رضاشاه

نهاد نوپای آموزش دختران در زمان رضاشاه با مشکلات فراوانی مواجه بود که ریشه در سیاست‌های دولت از طرفی و سنت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه از طرف دیگر داشت. این معضلات نظیر پایین بودن کیفیت آموزش در مدارس دخترانه، مشکلات مالی، کمبود فضای آموزشی و آموزش جنسیت‌زده و همچنین کمبود معلم و فقدان مدارس مقطع متوسطه، پیشرفت و گسترش آموزش زنان را تحت تأثیر قرار داده بود. گستره این کم و کاستی‌ها در ایالات بیشتر از تهران بود. به صورت کلی تعداد مدارس ابتدایی پسرانه تقریباً چهار برابر مدارس دخترانه بود؛ این نسبت برای مدارس متوسطه نیز چهار مدرسه پسرانه در برابر یک مدرسه دخترانه بود که عمدتاً کلاس اول یا دوم متوسطه را شامل می‌شد. این مسئله یعنی کمبود فضای آموزشی برای دختران، همواره مورد اعتراض مسئولان معارف در ایالات بود. برای مثال، در سال ۱۳۰۸ رئیس تعلیمات عمومی کرمان طی یادداشتی از وزارت معارف خواست بودجه معارفی کرمان را افزایش دهد؛ زیرا مؤسسات آموزشی در این شهر، به‌ویژه در حوزه تحصیل دختران جواب‌گوی نیاز مردم نیست. وی در نامه خود نوشت در اثر تبلیغات دولت، مردم نسبت به ضرورت آموزش دختران آگاه و علاقه‌مند شده‌اند؛ درحالی‌که تعداد مدارس دخترانه در کرمان حتی در مقطع ابتدایی کم است؛ در روستاها و اغلب شهرهای کوچک مدرسه دخترانه وجود ندارد و سختی و دشواری مسیر مانع از آمدن دختران به مدارس شهری است. فقدان مدارس دخترانه در مقطع متوسطه و ناتوانی مردم در پرداخت شهریه اندک مدارس ملی در این مقطع، از دیگر مشکلات آموزش زنان در کرمان است. رئیس تعلیمات عمومی کرمان ادامه داد اگر دولت کمک مالی نکند حتی مدارس ملی دخترانه نیز تعطیل می‌شوند؛ زیرا شاگردان توان پرداخت حتی کم‌ترین شهریه‌ها را ندارند. حقوق معلمان مدارس ملی از محل اعانات تأمین می‌شود و به همین دلیل بسیار ناچیز و مایه ناخرسندی و دلسردی آنهاست (ساکما، ۱۳۹۷: ۱۱۷۹).

مشکلات مالی و کمبود بودجه در حوزه معارف زنان، در مورد مدارس ملی جدی‌تر بود. این مدارس به همت زنان ترقی‌خواه تأسیس و هزینه‌هایش نیز با پرداخت شهریه و کمک فعالان حقوق زنان تأمین می‌شد، اما با توجه به اینکه بیش از نصف دانش‌آموزان مدارس دخترانه بی‌بضاعت بودند و توان پرداخت شهریه را نداشتند، این مدارس همواره با مشکلات اقتصادی دست به‌گریبان بودند. هشت نفر از مدیران مدارس دخترانه گیلان در سال ۱۳۱۴ طی نامه‌ای به وزارت معارف نوشتند مدارس ما به دلیل مشکلات اقتصادی در شرف تعطیلی است. اگر دولت در بودجه امسال مساعدتی به مدارس غیردولتی نکند، این مدارس منحل

می‌شوند (ساکما، ۲۹۷۰۲۵۱۲۰).

در سال ۱۳۰۴ خانم «ع. مرتضوی» مدیر مدرسه بنات پهلوی (جزو اولین مدارس دخترانه آذربایجان) که تحصیل کرده لوزان فرانسه بود، در مکاتبه خود با وزارت معارف نوشت، زن‌های مانند او مدارس دخترانه را به قیمت از دست دادن زندگی شخصی‌شان تأسیس کرده‌اند و اداره می‌کنند؛ زیرا وزارت معارف مداخله چندانی در روند انتخاب و استخدام معلمان یا تجهیز مدارس ندارد. این وزارتخانه، به‌ویژه در شاخه ایالتی، از حیث مالی کمک بسیار کمی به مدارس دخترانه می‌کند؛ تا آنجا که تأمین بخش زیادی از هزینه‌های مدرسه از جمله پرداخت حقوق معلمان، بر دوش خود مدیر قرار می‌گیرد. مرتضوی درباره دستور وزارت معارف مبنی بر تعطیلی تک‌کلاس متوسطه مدرسه او نیز نوشت، مدرسه محل خدمت خود را با سختی زیاد و هزینه کردن سرمایه شخصی تأسیس و معلمان را قانع کرده که با حقوق کم به رشد معارف نسوان کمک کنند. «با تلاش فراوان یک کلاس مقطع متوسطه را نیز به مدرسه ضمیمه کرده‌ام و انتظار داشتم دولت در افتتاح سایر کلاس‌ها یاریم کند، اما این مساعدت نه تنها انجام نشد، بلکه دستور دادند که مقطع متوسطه از مدرسه حذف شود» (ساکما، ۲۹۷۱۹۵۹۲). وی افزوده است مدرسه فعلی دارای سیصد شاگرد دختر در مقطع ابتدایی است که علاقه‌مند به ادامه تحصیل‌اند، اما سنگ‌اندازی مغرضان و مخالفان تحصیلات زنان، اداره معارف را وا داشته که نه تنها حمایتی از تحصیلات زنان در مقطع متوسطه نکند، بلکه موجبات تعطیلی آن را نیز فراهم آورد. مدیر در آخر اضافه کرد که اگر اداره معارف مجوز او را باطل نکند، او بخش دیگری از املاک خود را خواهد فروخت و هزینه‌های تأسیس کلاس در مقطع متوسطه را تأمین خواهد کرد (همان).

علاوه بر کمبود معلم و فضای آموزشی، پایین بودن کیفیت آموزش در مدارس مشکل دیگری بود که مطابق معمول در ولایات نمود بیشتری داشت. بنا بر مکاتبات اداره معارف ولایات با مرکز، کمبود معلم زن، عدم توانایی علمی معلمان و شیوه‌های تدریس کم‌بازده، از دشواری‌های آموزش زنان بود. دلیل اصلی این ضعف را باید در فقدان دانشسراهای مقدماتی و دارالمعلمت در بسیاری از شهرها و کم بودن تعداد آن در تهران دانست. اغلب معلمان زن تنها با داشتن تصدیق‌نامه ابتدایی و بدون پشت سر گذاشتن دوره‌های آموزشی دانشسرای مقدماتی، مشغول به کار می‌شدند و اغلب قادر نبودند رضایت دانش‌آموزان و مسئولان را جلب کنند. همچنین معلمانی که در تهران آموزش دیده بودند، حاضر به خدمت در شهرستان‌ها به‌خصوص در مناطق جنوبی نبودند (ساکما، ۲۹۷۵۰۹۵۰). در همین ارتباط در سال ۱۳۰۸ رئیس معارف قزوین طی مکاتبه‌ای با مرکز نوشت، تأسیس دارالمعلمت به منظور آموزش

حرفه‌ای معلمان مدارس دخترانه در قزوین ضروری است؛ زیرا بیشتر معلمان زن توان علمی کافی ندارند و استخدام معلم‌های مجرب از مرکز نیز به دلیل کمبود بودجه در توان ما نیست؛ زیرا معلمان تهران حاضر نیستند با حقوق ماهی ۶ الی ۱۴ تومان در ولایات کار کنند. وی ادامه داده است، با توجه به اینکه وزارت معارف پولی برای تقویت معلمان ولایات هزینه نمی‌کند، مدیرها و معلم‌های مدارس دخترانه حاضرند ماهیانه مبلغ یک تا سه تومان از حقوق خود را برای تأسیس دارالمعلمت در اختیار اداره معارف بگذرانند (ساکما، ۲۹۷۳۴۴۰۶).

تبعیض جنسیتی در نظام آموزشی

گلایه دیگر معلمان زن، قانون استخدام فارغ‌التحصیلان و تبعیض در استخدام زنان بود. ماده سوم از قانون استخدام سال ۱۳۰۹ مقرر کرده بود که دارندگان مدرک دیپلم و لیسانس‌های مدرسه دارالمعلمین عالی مشمول مواد ۶۶ و ۷۶ و ۷۳ قانون استخدام نخواهند شد و بدون طی خدمات ابتدایی، با رتبه ۴ اداری به خدمت معلمی پذیرفته می‌شوند و هر دو سال یک بار نیز ارتقای رتبه می‌گیرند. براساس ماده چهارم این قانون همچنین وزارت معارف مکلف بود فارغ‌التحصیلان دارالمعلمین عالی را در مدارس دولتی استخدام کند و اگر در بخش آموزگاری به خدمات آنها نیاز نبود، متعهد بود آنها را در بخش‌های دیگر و در ادارت مختلف استخدام کند (سالنامه پارس، ۱۳۱۰: ۲۵). البته در مورد استخدام زنان فارغ‌التحصیل دارالمعلمت، این قوانین و همچنین تعهد استخدامی از طرف دولت وجود نداشت. یکی از فارغ‌التحصیلان دارالمعلمت در اعتراض به این تبعیض نوشته بود با وجود اینکه نیاز به معلم زن و گسترش و ارتقای سطح آموزش نسوان باید در اولویت برنامه‌های دولت و وزارت معارف باشد تا عقب‌ماندگی چندساله در این زمینه جبران شود، تأکید وزارت معارف و توجه عمده دولت همچنان به آموزش مردان و استخدام آنهاست. وی ادامه داد وجود تنها یک دارالمعلمت دخترانه در برابر دارالمعلمین متعدد و مدارس تخصصی پسرانه، ضمن نشان دادن رویکرد تبعیض‌آمیز حاکمیت به آموزش زنان، پاسخ‌گوی نیاز مدارس دخترانه کشور نیست. علاوه بر آن، تعداد اندک فارغ‌التحصیل مرکز تربیت معلم دختران نیز به لحاظ استخدام مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و هیچ قانون و برنامه ویژه‌ای برای آنها وجود ندارد. «نرگس مهاجر» در پایان به عدم توجه دولت به اعزام محصلان زن به اروپا اشاره کرد و نوشت قابل درک نیست که چرا هر ساله تعدادی از پسران با هزینه دولت می‌توانند در اروپا تحصیل کنند، اما حتی یک زن این امکان را ندارد که در خارج حداقل همین رشته معلمی را فرا بگیرد (اطلاعات، ۵ اردیبهشت ۱۳۰۹: شماره ۸۶۸، ص ۳). یکی دیگر از مهم‌ترین مشکلات معلمان و شاغلان زن که تا امروز

نیز به قوت خود باقی است، انجام توأمان وظایف خانه‌داری و مادری با اشتغال بیرون از خانه بود. در زمان حکومت رضاشاه، به‌ویژه در سال‌های ابتدایی، در اداره‌ها و امکانی که زنان کار می‌کردند، مهد کودک یا محلی برای نگهداری از اطفال و کودکان وجود نداشت، در همه محله‌های تهران نیز کودکان و «خانه اطفال» تأسیس نشده بود؛ به همین دلیل زنان شاغل امکانی برای نگهداری از فرزندانشان نداشتند و این مسئله یکی از دغدغه‌های دائم معلمان بود. درباره انجام وظایف خانگی نیز زنان شاغل ناچار بودند بخشی از تمرکز، وقت و انرژی خود را صرف انجام کارهای خانه کنند. بعضی از معلمان و مدیران زن به دلیل این تداخل مجبور به استعفا می‌شدند. مدیر «دبستان آذرمیدوخت» رشت به اداره معارف مرکز نوشت، او مؤسس این مدرسه بوده و برای بقای آن بسیار زحمت کشیده، اما از وقتی که همسرش به تهران منتقل شده، مسئولیت‌های پنج فرزند و امور خانه برعهده او قرار گرفته است. خانم مدیر در پایان نوشت قلباً مایل به استعفا و ترک مدرسه‌ای که سال‌ها برای تأسیس و ادامه کارش زحمت کشیده‌ام، نیستم. بنابراین خواهش دارم یا مرا به تهران منتقل کنید و یا شوهرم را به رشت برگردانید (ساکما، ۲۹۷۰۲۵۱۲۰). وزارت معارف طی بخش‌نامه‌ای به مدارس دخترانه نوشت معلمان زن نباید اطفال خود را به مدرسه بیاورند و یا سر کلاس شیر بدهند؛ زیرا اعتراضاتی مبنی بر این مسئله به وزارت معارف رسیده است. تعدادی از معلمان مدارس دخترانه در نامه‌های استعفای خود خطاب به مدیر مدرسه و اداره فرهنگ، داشتن بچه و سنگین بودن مسئولیت خانه‌داری و همسرداری را دلیل استعفای خود عنوان کردند و از مسئولان خواستند در بعضی از مدارس شیرخوارگاه تأسیس کنند و یا برای بازی بچه‌ها باغچه بازی در مدارس تعبیه کنند تا آنها مجبور به استعفا نشوند (ساکما، ۲۹۷۵۰۹۰۵).

وضعیت حقوق و دستمزد معلمان زن در دوره رضاشاه

کم بودن حقوق و دستمزد یکی دیگر از مشکلات کاری معلمان زن بود؛ به‌ویژه آنکه بسیاری از آنها سرپرست خانوار بودند. پرونده کاری «عصمت مشعشی» معلم و مدیر یکی از مدارس دولتی همدان در مقطع ابتدایی و سوابق کاری او از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۹ به خوبی نشان‌دهنده کم بودن حقوق معلمان زن به‌رغم سابقه کاری و تلاش زیاد است. حقوق خانم مشعشی از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷، ۱۱۰ ریال بوده و از سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۳ با ۱۲۰ ریال حقوق تدریس کرده و با ارتقای رتبه به پایه یک در سال ۱۳۱۶ حقوق او به ۲۲۰ ریال رسید. در سال ۱۳۱۸ با اضافه شدن پست مدیریت به وظایف او، ۳۲۰ ریال دریافت می‌کرد و در نهایت در ۱۳۱۹ با ۴۲۰ ریال حقوق، خدمتش پایان یافت. این آمار و ارقام نشان می‌دهد که حقوق عصمت

مشعشی در طول نزدیک به ۱۹ سال حدود ۷/۳ درصد رشد داشته است. او درباره وضعیت حقوقی خود بارها از مرکز تقاضای اضافه حقوق کرده و نوشته بود این میزان اندک حقوق کفاف هزینه‌های زندگی‌اش را نمی‌دهد و به رغم آنکه برای ارتقای رتبه بسیار تلاش کرده و «سند خدمت» و تشویقی نیز دارد، اما این امتیازات تأثیر چندانی بر حقوق و شرایط کاری او نداشته است (ساکما، ۲/۹۲۵/۱۹۲). حقوق معلمان زن در مدارس ملی نیز کم بود. احترام السادات حمیدی معلم «دبستان مخدرات وطن» همدان در سال ۱۳۰۶ برای ۳۶ ساعت کار در هفته ۸۰ ریال حقوق دریافت می‌کرد. به گفته معصومه حیدری مدیر مدرسه، حقوق معلمان این‌گونه مدارس از محل شهریه‌های پرداختی دانش‌آموزان تأمین می‌شد و با توجه به اینکه اغلب خانواده‌ها بی‌بضاعت بودند، شهریه مدارس کفاف حقوق درخور معلمان را نمی‌داد؛ درحالی‌که بسیاری از این معلمان سرپرست خانه‌وار و یا مجرد بودند و از پدر و مادرشان نگهداری می‌کردند (ساکما، ۹۱/۲۹۷/۵۸۳). شش معلم زن از مدرسه نوزده به وزارت معارف نوشتند از سال ۱۳۱۳ تا به الان که سال ۱۳۱۷ است، با حقوق اندک ۲۵۰ ریال و به صورت کتراتی کار می‌کنند؛ نه حقوقشان افزایش یافته و نه ارتقای رتبه گرفتند و نه از حالت کتراتی به استخدام رسیده‌اند؛ درحالی‌که فارغ‌التحصیلان جدید در سال ۱۳۱۷ براساس قانون جدید تربیت معلم، از سال ۱۳۱۷ با پایه دو آموزگاری استخدام می‌شوند و به همین دلیل و به‌رغم نداشتن سابقه کاری، حقوقشان از معلمان باسابقه بیشتر است. آنها در پایان افزودند این حقوق کم و کار زیاد به مرور آنها را دلسرد و بی‌انگیزه می‌کند (ساکما، ۲۹۷۰/۱۳۹۱۹). در اعتراض به همین مسئله، «فرخنده فصیحی» معلم دبستان مختلط ایران‌دخت، در نامه‌ای به وزارت معارف نوشت به مدت سه سال با حقوق ۱۵۰ ریال که به هیچ‌وجه پاسخ‌گوی حتی هزینه ایام و ذهاب هم نیست، کار کرده و به‌رغم چنین شرایطی، به امید تغییر وضعیت و افزایش حقوق، به کارش ادامه داده است. آن‌گونه که از مکاتبه فرخنده فصیحی برمی‌آید، در سال ۱۳۱۷ تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان دانشسرای مقدماتی با حقوق ۳۴۰ ریال استخدام شدند و حدود ۱۰۷ نفر از آنها در مدارس دولتی نمره ۳ تا ۱۵ به کار گماشته شدند. معلمانی که در سال تحصیلی ۱۳۱۲-۱۳۱۳ استخدام شده بودند، کار خود را با حقوق ۱۵۰ ریال آغاز کردند، اما استخدامی‌های ۱۳۱۷ (همان‌طور که گفتیم) ماهیانه ۳۴۰ ریال حقوق دریافت می‌کردند (ساکما، ۲۹۷۰/۱۳۹۱۹). خانم «عزت صیادیان» مدیر و معلم مدرسه دولتی دماوند، در سال ۱۳۱۷ در نامه‌ای به اداره آموزش و پرورش کل، از کار زیاد و حقوق کم اعتراض کرده و نوشته بود بعد از حدود ده سال سابقه کار و انجام مسئولیت معلمی و مدیری به صورت توأمان، تنها ۲۵۰ ریال حقوق دریافت می‌کند و این میزان جواب‌گوی هزینه‌های زندگی‌اش

نیست. معلم‌های زن دیگری در تهران و به‌خصوص شهرستان‌ها و اطراف تهران در نامه‌های مشابهی به کم بودن حقوق اعتراض کردند. این معلمان اغلب کسانی بودند که مسئولیت اداره خانواده خود و گاهی والدینشان را نیز برعهده داشتند (ساکما، ۲۹۷/۴۰۷۲۷). معلمان دارالمعالم نیز به عدم افزایش حقوق خود در قوانین جدید تربیت معلم و عدم دریافت اضافه‌کاری اعتراض کردند (ساکما، ۲۹۷۰۰۴۱۱۳).

جدول شماره ۵: حقوق معلم‌ها و کارکنان دارالمعالمات در سال تحصیلی ۱۳۰۰-۱۳۰۱

سمت	حقوق (تومان)
معلم خیاطی با الگو	۱۵
نقاشی و نقشه‌کشی	۵
خط	۵
آرایشگری	۵
جغرافیا	۱۵
خانه‌داری	۱۵
فیزیک شیمی / مرد	۲۰
جبر / مرد	۲۰
تاریخ	۱۰
خادم / مرد (بابای مدرسه)	۱۵
مفتشه	۱۰
خادم مدرسه / زن	۵
ترمه‌دوزی	۵

روند افزایش حقوق برای معلمان زن به‌ویژه در ایالات بسیار کند بود. برای مثال، مریم رضایی مدیر مدرسه بنات محرمه خوزستان، در سال ۱۳۰۶ بیست تومان حقوق دریافت می‌کرد که این مبلغ در سال ۱۳۰۹ به سی تومان رسید. همچنین «ایران فتوح» معلم دبستان بنات آبادان، در سال ۱۳۰۶ برای سی ساعت کار در هفته ۱۵۰ ریال دریافت می‌کرد. حقوق او در سال ۱۳۱۱ به ۱۸۰ ریال افزایش پیدا کرده بود (ساکما، ۲۹۷۵۲۴۵۲). به صورت کلی حقوق معلمان خارجی از معلمان ایرانی بیشتر بود. «آلیس لوکاسیان» دبیر فرانسسه دبیرستان معرفت، برای کار در تمام اوقات رسمی در سال ۱۳۱۵ پانصد ریال حقوق دریافت می‌کرد (ساکما، ۲۹۷۰۴۲۶۹)؛ درحالی‌که ملیحه‌خانم دارای مدرک دیپلم متوسطه و معلم مدرسه دختران ارومیه،

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۳۵

برای همین ساعت کاری و همین درس در آذربایجان غربی ۳۵۰ ریال حقوق می‌گرفت (ساکما، ۲۹۷۰۳۹۰۶۹).

جدول شماره ۶: حقوق معلم‌های دارالمعلمات تهران

طی سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۶ (ساکما، ۲۹۷۰۱۳۲۵۸)

سمت	ساعت کار	حقوق (ریال)
معلم جغرافیا	۱۶ ساعت در هفته	۲۵۰
معلم ادبیات	۱۶ ساعت در هفته	۲۵۰
معلم نقاشی	۸ ساعت در هفته	۲۰۰
معلم خط	۴ ساعت در هفته	۱۲۰
معلم خانه‌داری	۱۶ ساعت در هفته	۲۵۰
معلم خیاطی	۱۶ ساعت در هفته	۲۵۰
ناظمه	تمام ایام هفته	۳۰۰

در سال ۱۳۰۰ تعداد دانش‌آموزان دارالمعلمات تهران ۴۴ نفر بود. این تعداد در سال ۱۳۰۱ به ۴۲ نفر رسید. در این سال مدیریت با فصح‌الملک بود که همزمان تدریس درس فرانسه را نیز برعهده داشت. ده معلم زن نیز کار تدریس را برعهده داشتند. آمار محصلان دارالمعلمات در یک روند فزاینده در سال ۱۳۰۳ به حدود ۱۱۴ نفر رسید. طی سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۶ حدود سی معلم در دارالمعلمات مشغول به کار بودند. آمار شاگردان این مرکز در سال ۱۳۰۸ به حدود ۱۷۸ نفر رسید. تدریس دروس شیمی، فیزیک، ریاضی، جبر و هندسه و زبان انگلیسی برعهده معلم‌های مرد بود (ساکما، ۲۹۷۰۱۳۲۵۸). یکی از مشاغل مهم در دارالمعلمات و مدارس دخترانه، مفتشه یا بازرس بود که صاحب این حرفه مسئولیت‌های متعددی داشت؛ از جمله تنظیم آمار و احصائی روزانه شاگردان و معلمان مدارس، گزارش حفظ‌الصحه و بهداشت دانش‌آموزان، گزارش ملزومات و تجهیزات مورد نیاز در مدرسه، توان علمی معلمان و دانش‌آموزان در دروس مختلف (ساکما، ۲۹۷۰۱۳۲۵).

جدول شماره ۷: حقوق معلمان مقطع متوسطه یکی از مدارس دخترانه تبریز در سال ۱۳۰۵ (ساکما، ۲۹۷۱۹۵۹۲)

سمت	ساعت تدریس	حقوق ماهیانه (ریال)	حقوق سالانه (ریال)
مدیر - آموزگار	۱۴	۶۰۰	۷۲۰۰
معلم عربی و تاریخ	۱۶	۳۰۰	۳۶۰۰
معلم فرانسه	۱۰	۱۵۰	۱۸۰۰
معلم خیاطی و گلدوزی	۱۶	۳۰۰	۳۶۰۰
معلم نقاشی و رسم	۱۰	۱۵۰	۱۸۰۰
معلم آشپزی	۶	۱۲۰	۱۴۴۰
معلم خط	۶	۸۰	۹۶۰
معلم تاریخ طبیعی	۱۰	۲۰۰	۲۴۰۰
خادم	—	۷۰	۹۰۰

جدول شماره ۸: حقوق معلمان زن دارالمعلمات کرمان در سال ۱۳۰۸ (ساکما، ۲۹۷۴۱۱۷۹)

سمت	حقوق (تومان)
مدیر و معلم کلاس ۹	۴۲
معلم کلاس ۸	۴۲
معلم کلاس ۷	۳۰
معلم کلاس ۶	۳۰
خادمه	۲۰

میزان حقوق معلمان در مدارس به صورت کلی با توجه به اینکه معلم مورد نظر چه پایه‌ای تدریس می‌کرد و دارای چه مدرکی بود، متفاوت بود. به صورت کلی معلمان کلاس‌های پنجم و ششم ۱۶ تومان و معلمان سایر پایه‌ها ۱۲ تومان حقوق دریافت می‌کردند؛ همچنین معلمانی که مدرک مقطع متوسطه داشتند، در مقایسه با معلمانی که با گواهی پایان دوران ابتدایی استخدام می‌شدند، حقوق بیشتری داشتند و معلمان مدارس ابتدایی حقوق کمتری نسبت به معلمان مقطع متوسطه دریافت می‌کردند. شرایط آب‌وهوایی محل تدریس نیز در میزان حقوق بی‌تأثیر نبود. برای مثال، با توجه به اینکه هوای بم بسیار گرم و خشک بود، کمتر معلمی داوطلب کار در مدارس بم می‌شد؛ به همین دلیل دولت برای معلمانی که در بم خدمت

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۳۷

می‌کردند، نه تومان اضافه حقوق در نظر گرفته بود (ساکما، ۲۹۷۴۱۱۷۹).

جدول شماره ۹: میانگین حقوق معلم‌های زن و مرد مدارس ابتدایی در تهران سال ۱۳۰۹
(اطلاعات، ۱۲ مهر ۱۳۰۹: شماره ۱۰۸۳، ص ۳)

سمت	حقوق زن (تومان)	حقوق مرد (تومان)
معلم خیاطی	۱۰	—
معلم نقاشی	۳	۵
ناظم	۲۵	۴۰
مدیر	۴۲	۶۰
معلم کلاس ۵ و ۶	۴۰	۷۰
معلم ۴ پایه	۹۰	۱۳۵

به صورت کلی بحث استخدام، حقوق و دستمزد، در وزارت معارف سیاق و اصول مشخصی نداشت. تبعیض جنسیتی مانند تمام ادوار اعمال می‌شد، میزان حقوق به سطح معلومات و مدرک و همچنین تعداد ساعات تدریس و البته بودجه بستگی داشت. برای مثال، اعتبار سالانه دارالمعلمات ۷۳۰ تومان بود؛ درحالی‌که اعتبار تنها یک مدرسه پسرانه یعنی دارالفنون به تنهایی سه برابر اعتبار دارالمعلمات بود (همان).

جدول شماره ۱۰: حقوق کارمندان وزارت معارف به تفکیک جنسیت (۱۳۰۹)

سمت	استان	حقوق زن (تومان)	حقوق مرد (تومان)
مدیر تعلیمات	تهران	۹۲	۱۶۴
منشی	تهران	۴۲	۹۰
بازرس	آذربایجان	۳۰	۶۰
بازرس	قزوین	۲۰	۳۲
مفتش	خراسان	۱۵	۳۲

جدول شماره ۱۱: آمار کارکنان و دبیران دانشسرای دختران تهران
در سال ۱۳۱۴ (ساکما، ۲۹۷۱۵۷۶۹)

نام	عنوان	حقوق (ریال)
علی اشرف ممتاز	رئیس	۲۱۲۰
تاج الملوک بازارکاد	معاون	۸۰۰
خانم ژان شیبانی	مدیر داخلی	۵۰۰
صدیقه ریاضی	ناظم	۴۸۰
نصرالله محمدیه	متصدی دفتر	۹۲۰
بتول عقبلی	کتابدار	۳۵۰
زهرا اکیاتانی	دفتردار	۴۰۰
حسین گنابادی	دفتردار	۷۹۰
علی میرافضلی	دبیر فارسی	۹۸۰
حسین گودرزی	دبیر عربی	۷۰۰
بدرالملوک بامداد	دبیر اخلاق	۶۰۰
خانم میرزاده نطفی	دبیر فرانسه	۵۰۰
مهرانگیز منوچهریان	دبیر فارسی	۴۸۰
نورالله بهبهانی	دبیر فیزیک و شیمی	۵۵۰
صدیقه ریاضی	تدبیر منزل	۴۸۰
محمد محقق	دبیر تاریخ و جغرافیا	۹۲۰
ایران جهانسوز	دبیر نقاشی	۴۵۰
شوکت عضدی	دبیر آشپزی	۴۰۰
روحانیه باغمیشه	دبیر خیاطی	۴۰۰
خانم خواجه نوری	دبیر خط	۲۵۰
حبیب صحیحی	دبیر تعلیم و تربیت	۱۶۴۰
احمد بهمنش	جغرافیا	۸۱۰
بتول همایون	ریاضیات	۷۰۰
علی اصغر شمیم	دبیر انشا	۹۰۰

همان‌طور که از جدول فوق برمی‌آید، معلمان زن عمدتاً در رشته‌های دوخت و دوز و خانه‌داری تدریس می‌کردند و تدریس دروس اساسی‌تر و تخصصی‌تر برعهده مردان بود. برای

مثال، در جدول فوق تنها یک زن یعنی بتول همایون ریاضیات تدریس می کرد که با وجود این، حقوق او باز هم از حقوق برخی از معلم‌های مرد کمتر و البته از برخی دیگر بیشتر بود. در مورد حقوق و دستمزد معلم‌ها در دوره رضاشاه، رویه و الگوی مشخصی وجود نداشت یا حداقل نمی توان از دل اسناد محدود موجود، الگو و ساختار مشخصی را فهم کرد، اما این مسئله که حقوق معلمان دوخت و دوز، تدبیر منزل و آشپزی با حقوق معلمان فیریک و شیمی و ریاضات تفاوت محسوس داشت، غیرقابل تردید است.

نتیجه گیری

تمرکز بیشتر دولت بر آموزش مردان نسبت به آموزش زنان و ایدئولوژیک بودن نظام آموزشی، به در پیش گرفتن رویه‌های تا حدی تبعیض آمیز نسبت به شاغلان این حوزه، به خصوص معلمان زن منجر شد. بودجه مراکز آموزشی دولتی زنان همواره اندک بود و معلمان زن ناچار بودند با کمترین دستمزدها، به‌ویژه در ایالات تدریس کنند. معلمان شاغل در مدارس ملی نیز به دلیل عدم توان مالی خانواده‌ها در پرداخت شهریه مدارس، وضعیت نامناسبی از حیث حقوق و دستمزد داشتند. قوانین استخدامی و ارتقای شغلی نیز به گونه‌ای بود که زنان را از دریافت امتیازهای مربوط به آن محروم می کرد. عدم توجه دولت به آموزش زنان در مقطع متوسطه، مقاومت اجتماعی در برخی از مناطق نسبت به ادامه تحصیل دختران، فقدان فضای آموزشی مناسب و کافی و همچنین همزمانی مسئولیت‌های مادری و همسری با اشتغال بیرون از خانه، از دیگر مشکلات معلمان زن در نظام آموزشی عصر رضاشاه بود. معلمان زن در مقایسه با همکاران مرد خود امکان کمتری برای ادامه تحصیل در سطوح بالاتر داشتند و ساختار مردسالار و ایدئولوژیک نظام آموزشی نیز فرصت‌های محدودتری برای پیشرفت و کسب مهارت‌ها و مدارک تحصیلی در اختیار آنها قرار می داد؛ به همین دلیل در بحث حقوق و دستمزد، نسبت به مردان حقوق کمتری دریافت می کردند. با این همه، عزم دولت پهلوی برای ساخت ایران نوین، به صدها زن این امکان را داد که به عنوان معلم نقش اجتماعی ایفا کنند.

منابع و مأخذ

الف. کتب و مقالات

بامداد، بدرالملوک (۱۳۴۸)، زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب سفید، ج ۱، تهران: ابن سینا.
حسینی، مرضیه (زمستان ۱۴۰۰)، «مادریت جدید و نظام آموزشی زنان در عصر رضاشاه»، فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال سی و یکم، دوره جدید، شماره ۵۲ (پیاپی ۱۴۲)، صص ۱۵-۳۶.

صورت مذاکرات مجلس (اردیبهشت ۱۳۰۷)، جلسه نهم.
مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ش، بخش اول.

ب. احصائیه ها و سالنامه‌ها

احصائیه شهر تهران، سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴
احصائیه شاگردان کشور در سالنامه وزارت معارف سالهای ۱۳۲۰-۱۳۱۴
عملیات یکساله بلدیہ ۱۳۰۲-۱۳۰۱ و ۱۳۰۴-۱۳۰۳
سالنامه پارس، سال ۱۳۱۰ و ۱۳۱۵
سالنامه وزارت معارف، ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۳ و ۱۲۹۷، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۱۴-۱۲۹۹
سالنامه احصائیه وزارت معارف، سال ۱۳۱۲-۱۳۱۳.

پ. اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

۲۹۷۰۲۵۱۲۰	۲۹۷۴۱۱۷۹	۲۹۷۴۱۱۷۹
۲۹۷۵۰۹۰۵	۲۹۷۰۲۵۱۲۰	۲۹۷۱۹۵۹۲
۲۹۷۰۱۳۹۱۹	۹۱/۲۹۷/۵۸۳	۲۹۷۵۰۹۵۰
۲۹۷۵۲۴۵۲	۲۹۷۰۰۴۱۱۳	۲۹۷/۴۰۷۲۷
۲۹۷۰۴۲۶۹	۲۹۷۰۳۹۰۶۹	۲۹۷۳۴۴۰۶
۲۹۷۱۹۵۹۲	۲۹۷۰۱۳۲۵	۲۹۷۰۱۳۲۵۸
۲۹۷۵۰۹۰۵	۲۹۷۰۲۵۱۲۰	۲۹۷۴۱۱۷۹
۲۹۷۱۵۷۶۹	۹۱/۲۹۷/۵۸۳	۲/۹۲۵/۱۹۲

ج. نشریات

تعلیم و تربیت (۱۳۱۵)، شماره ۱، ص ۱.
تعلیم و تربیت (۱۳۱۴)، شماره ۳، ص ۱۵۱.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۴۱

تعلیم و تربیت (۱۳۱۷)، شماره ۱۰، صص ۵۹-۶۰.

تعلیم و تربیت (۱۳۱۵)، شماره ۷، ص ۵۴۰.

نسوان و طنخواه (مهر ۱۳۰۳)، شماره ۷، ص ۸.

عالم نسوان (۱۳۱۰)، شماره ۶، صص ۲۸۵-۲۸۷.

روزنامه اطلاعات

اطلاعات (۳۱ خرداد ۱۳۱۷)، شماره ۳۵۱۶، ص ۱.

اطلاعات (۱۱ تیر ۱۳۱۷)، شماره ۳۶۱۲، ص ۶.

اطلاعات (۱۲ مرداد ۱۳۱۷)، شماره ۳۵۵۹، ص ۳.

اطلاعات (۲۲ تیر ۱۳۱۷)، شماره ۳۵۳۸، ص ۳.

اطلاعات (۱۵ شهریور ۱۳۱۷)، شماره ۳۵۹۳، ص ۳.

اطلاعات (۲ خرداد ۱۳۱۴)، شماره ۲۴۰۹، ص ۲.

اطلاعات (۲۲ مهر ۱۳۱۷)، شماره ۳۶۳۰، ص ۶.

اطلاعات (۳ خرداد ۱۳۱۴)، شماره ۲۹۴۱، ص ۱.

اطلاعات (۲۸ مهر ۱۳۱۷)، شماره ۳۶۳۶، ص ۲.

اطلاعات (۵ اردیبهشت ۱۳۰۹)، شماره ۸۶۸، ص ۳.

اطلاعات (۲۵ خرداد ۱۳۱۷)، شماره ۳۵۱۰، ص ۳.

اطلاعات (۱۲ مهر ۱۳۰۹)، شماره ۱۰۸۳، ص ۳.

د. منابع لاتین

amin, michael camron (2002), the making of the modern iranian woman: gender, state policy, and popular culture, 1865-1946, gainesville: university press of florida.

پرتال جامع علوم انسانی

List of sources with English handwriting

Statistics and yearbooks:

- Statistics of Tehran, years 1300 to 1304
The statistics of the country's students in the yearbook of the Ministry of Education for the years 1314-1320
The one-year operations of the municipality in 1302-1301 and 1304-1303
Pars yearbook, 1310 and 1315
Yearbook of the Ministry of Education, 1299 to 1313 and 1297, 1307, 1308, 1314-1299
Statistical yearbook of the Ministry of Education, 1312-1313

Books:

- Bāmdād, Badr ul-Molūk (1348). Iranian woman from the constitutional revolution to the white revolution. C1. Tehran: Ibn Sīnā: Report of the parliament's deliberations, the 9th session of May 1307
The collection of laws and regulations of the years 1320-1300, the first part
Amin, Michael Cameron, The Making of the Modern Iranian Woman: Gender, State Policy, and Popular Culture, 1865-1946, Gainesville: University Press of Florida, 2002

Journals:

- Ta'lim va Tarbiyat, No. 1, 1315
Ta'lim va Tarbiyat, No. 7, 1315
Ta'lim va Tarbiyat, No. 1, 1314
Nesvān-e Vaṭankāh, No. 7, 1303
'Ālam-e Nesvān, Year11, No. 6, 1310
Ta'lim va Tarbiyat, vol. 10, 1317
Eṭelā'āt newspaper:
Eṭelā'āt newspaper, No.3516, 31/3/1317
Eṭelā'āt newspaper, No.3559, 12/5/1317
Eṭelā'āt newspaper, No.3593, 15/6/1317
Eṭelā'āt newspaper, No.3630, 22/7/1317
Eṭelā'āt newspaper, No.3636, 28/7/1317
Eṭelā'āt newspaper, No.3510, 25/3/1317
Eṭelā'āt newspaper, No.09, 2/3/1314
Eṭelā'āt newspaper, No.2941, 3/3/1314
Eṭelā'āt newspaper, No.2409, 2/3/1314
Eṭelā'āt newspaper, No.2941, 3/3/1314
Eṭelā'āt newspaper, No.3538, 22/4/1317
Eṭelā'āt newspaper, No.1083, year 1309, 1082, 1309
Eṭelā'āt newspaper, No. 868 S 1309
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma):
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 29741179,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 29741179,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 297025120,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 29719592,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 297025120,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 29750905,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 29750950,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 583/297/91,

Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 297013919,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 297013919,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 40727/297,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 2970 04113,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 297004113,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 29752452,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 29734406,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 297039069,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 29704269,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 297013258,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 297013258,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 29701325,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 29719592,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 29741179,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 29741179,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 29741179,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 297025120,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 29750905,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 2/925/192,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 91/297/583,
Asnād-e Sāzmān-e Mellī (Sakma), 29715769

Article:

Hosseini, Marzieh "The new concept of motherhood and education of women in the era of Reza Shah", Journal of History of Islam and Iran, Year 31, New Period, Number 52, Series 142, Winter 1400.



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The occupational status of female teachers in the era of Reza Shah¹

Mariyeh Hosseini²

Received: 2023/1/15

Accepted: 2023/7/20

Abstract

The change in the education system of the Reza Shah's era under the discourse of the modern national government and as a result the growth and expansion of women's education with the aim of educating new Iranian women and mothers led to significant employment of women in the education system, especially as teachers. Valuable research has been conducted on the necessity of women's education, the development, of literacy, the development of girls' schools and teacher education during the time of Reza Shah, but less attention has been paid to the employment status of women teachers and the challenges they faced during this period. The main topic of this article is the employment status of female teachers during the era of Reza Shah. The answer to this question emerges from the quantitative and qualitative study of the training of female teachers, the increase and decrease of their numbers in schools, the employment conditions, their limitations and difficulties, the status of their rights, as well as gender differences and discrimination in this profession, relying on documents and some publications. This period has taken place.

The findings of the research are based on the analysis of statistics and tables and show that the education of women was less important compared to men. This problem presents girls' schools and female teachers with the constant problem of lack of funds, low wages and gender discrimination in employment law. People's poverty and lack of financial ability to pay the small tuition fees of girls' national schools, especially in the states, and as a result, low salaries and a lot of work, along with the combination of employment outside the home with women's responsibilities at home, were other problems of female teachers, which sometimes led to their resignation.

Keywords: Girls' schools, Reza Shah era, Female teachers, Women's education, Gender discrimination

1. 10.22051/hii.2023.41164.2693

2. Doctorate in Iranian Islamic History, Payam Noor University, Tehran, Iran.
iranhosseini63@yahoo.com

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493